

بررسی سازوکار باروری طرح‌های اشتغالزایان می‌دهد

تأثیر پیوست‌مهارتی بر توسعه تولید

بررسی شاخص‌های مرتبط با حوزه اشتغال و تولید و نیازسنجی توسعه این حوزه با استفاده از ظرفیت‌های موجود این موضوع را نشان می‌دهد که ارتقای چندوجهی تولید و بهبود فضای کسب و کار علاوه بر مواردی نظیر سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری مبتنی بر توان نیروی انسانی و منابع نیازمند

گزارش



احسان احمدی

روزنامه‌نگار

بسیاری از طرح‌های کسب و کار بخش‌های سه‌گانه صنعت، کشاورزی و خدمات در حالی جهت توسعه این حوزه‌ها و جریان عقب‌افتادگی خلق اشتغال ناشی از خلاء دهه‌های گذشته، طراحی و تدوین می‌شود که به دلیل کم‌توجهی به زوایای اشتغالزایی آن، چندان که باید در رشد داده‌های اشتغال مؤثر نیست.

در این وضعیت به شرط تدوین پیوست مهارتی و ارتقای شاخص‌های آموزش مهارت و به تبع آن رشد ایجاد اشتغال، طرح‌های تولیدی و آموزشی، خروجی مناسب‌تری در بخش‌های هدفگذاری شده و مرتبط با مهارت‌آموزی و اشتغال خواهند داشت. حتی بسیاری از کارشناسان پیوست مهارتی در طرح‌های دانش‌بنیان، توسعه‌ای، تجاری، عمرانی و فعالیت پارک‌های علم و فناوری را به واسطه تأثیرگذاری بر تولید و اشتغال از اولویت‌های حوزه مهارت می‌دانند.

الزام ارتباط دانش و فن

کارشناسان تولید و اشتغال نیز تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر را عامل مؤثر بر رونق تولید و ارتقای بهره‌وری می‌دانند و بر پیوست مهارتی برای طرح‌های تولیدی و آموزشی تأکید دارند، اما با توجه به عدم اثرگذاری مهارت‌آموزی نیروی انسانی در خروجی بازار کار و تولید طی سال‌های گذشته، همچنان در کشور ما الزام توسعه مهارت و گسترش تربیت نیروی کار ماهر؛ به‌ویژه در دوره آموزش‌پذیری جوانی مغفول مانده است. در این بین، اما غفلت و خلاء اساسی مربوط به عدم برقراری و تنظیم ارتباط بین دانش آموزان و دانشجویان با فضای مهارتی توسط پیوند آموزش آکادمیک و فنی است. با وجود جمعیت بیش از ۱۸ میلیون نفری دانش‌آموزان و دانشجویان، امکان ایجاد تحول در حوزه آموزش مهارتی نیروی کار و به تبع آن تربیت افراد ماهر برای ورود به بازار کار در قالب این جامعه بزرگ وجود دارد. لازمه این اقدام،

گزارش

اگر مهارت‌آموزی و ارتقای دانش فنی و حرفه‌ای را بخشی از فرهنگ کار به شمار آوریم، باید تأثیرگذاری نقش آموزش‌های

مهارتی در شاخص‌های مرتبط با بازار کار از جمله در حوزه داده‌های آماری بیکاری را نیز مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

ارتباط بی‌واسطه سطح مهارت فنی نیروی کار و احتمال اشتغال افراد در بازار کار با مؤلفه‌های مهارتی مورد نیاز، نشان‌دهنده تأثیرپذیری شاخص نرخ بیکاری از میزان گستردگی مهارت در بین کارجویان و افراد شاغل است. نگاهی به حجم بالای جویندگان کار با سطوح مختلف تحصیلات دانشگاهی و میزان اقبال دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف به فراگیری دانش فنی و به‌روزرسانی آموزه‌های مهارتی، اهمیت و ایفای نقش مهارت را در بازار کار به اثبات می‌رساند.

سهم ۴۵ درصدی دانش‌آموختگان دانشگاهی از بین مهارت‌آموزان فنی و سهم ۳۸ درصدی این افراد از مجموع بیکاران کشور بیانگر ارتباط نامتوازن دانشگاه و بازار کار، اساس مهارت‌آموزی و ضرورت گسترش فرهنگ کار در این زمینه است. البته حضور پرشمار نیروی کار ماهر در بین سهم مشارکت ۴۱٫۲ درصدی نیروی کار در قالب فعالیت ۲۶ میلیون و ۴۷۰ هزار نفر در فضای کسب و کار در سه ماهه ابتدایی سال جاری و ۲۴ میلیون و ۳۰۶ هزار نفر شاغل میزان تأثیرپذیری بازار کار از فضای مهارتی را نشان می‌دهد. این در حالی است که بر اساس نظر کارشناسان حوزه کار و تولید، به‌روزرسانی دانش مهارتی برای دانش‌آموختگان و شاغلان بخش‌های مختلف، علاوه بر کاهش نرخ بیکاری اقبال متفاوت نیروی کار، زمینه رشد و ارتقاء بهره‌وری تولید را فراهم می‌آورد.

ظرفیت بزرگ ۶۴ میلیون نفری افراد در سن کار و جامعه بزرگ شاغلان کشور در حالی بستر و ظرفیت آینده‌ساز اشتغال و تأمین نیروی کار محسوب می‌شوند که تحقق



اما تحول در حوزه آموزش، تدوین سیاست‌های کلان آموزشی در هر دو بخش مهارتی و پایه‌ای و البته ایجاد پیوند بین این دو حوزه است. بهره‌مندی این خیل عظیم جوان از آموزش‌های مهارتی و به‌روزرسانی استانداردهای این حوزه برای آنان، جامعه کارجویان ماهر را پس از گذران تحصیلات دانشگاهی به بازار کار و تولید معرفی خواهد کرد.

الزام زیست‌بوم اشتغال

اشتغال مهارت‌محور در بسیاری از کشورهای جهان به واسطه جذب نیروی کار ماهر از بین گروه‌های مختلف در سن کار؛ به‌ویژه دانش‌آموختگان دانشگاهی، بستر مناسب افزایش گستره اشتغالزایی است. به این معنا که ارتباط دوسویه و اثربخشی بین تدوین و اجرای سیاست‌های اشتغال مبتنی بر مهارت فنی، اشتغال به کار جوانان و کاهش نرخ بیکاری وجود دارد که از این طریق به بهبود فضای کار و تولید منجر می‌شود.

تعهد به خلق گسترده اشتغال از طرف دولت‌ها

اشتغال بیکاران با به‌روزرسانی آموزش‌های مهارتی

بالایی ظهور یابند.

ارتقای فرهنگ مهارت‌آموزی

«فرامرز توفیقی» کارشناس حوزه کار و تولید نیز در گفت‌وگو با آتی‌نو با تأکید بر نقش بسیار مؤثر ارتقاء فرهنگ مهارت‌آموزی در کاهش نرخ بیکاری ناشی از تربیت نیروی کار گفت: «کنون در حوزه بازار کار به صورت همزمان با کمبود فرصت شغلی و نیروی کار مواجه‌ایم و این تناقض ناشی از کم‌توجهی به مهارت‌آموزی و ارتقای فرهنگ این بخش به عنوان رکن اساسی تأمین نیروی بازار کار است.»

این فعال بازار کار افزود: «نتیجه سیاست‌گذاری آموزش مهارت در شرایط نامتناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای بازار کار و عدم توجه لازم به توسعه مهارت‌آموزی، وجود جمعیت بزرگی از دانش‌آموختگان بدون مهارت و کارجو است که به‌رم خوردن تعادل بازار کار در بخش تأمین نیروی کار را موجب شده است. بخش عمده‌ای از مراکز آموزش عالی در سراسر جهان علاوه بر ایجاد زمینه تحصیلات دانشگاهی، شرایط آموزش مهارت را برای افراد مهیا می‌کنند که این مهم در کشور ما در طول دهه‌ها به میزان لازم مورد توجه قرار نگرفته؛ در نتیجه دانش‌آموختگان غیرماهر با وجود تحصیلات دانشگاهی به دلیل نداشتن مهارت مورد نیاز بازار کار با اضافه شدن به جمع کارجویان، مجبور به فعالیت در حوزه اشتغال غیرمولد می‌شوند.»

توفیقی با اشاره به ارجحیت مهارت‌آموزی نسبت به تحصیلات دانشگاهی در کشورهای پیشرفته و صنعتی، ضرورت توسعه آموزش‌های فنی را در حوزه کار و تولید برشمرد و افزود: «کم‌توجهی به الزام گسترش فرهنگ مهارت‌آموزی ایجاد کارگاه‌های نیازمند نیروی کار ماهر در وضعیت موج بیکاری دانش‌آموختگان بدون مهارت را موجب می‌شود.»

به گفته این کارشناس حوزه کار، سیاست‌گذاری نامتناسب

کار و کارگر

نکته



ورود به بازار کار از مسیر مهارت

ایلیا پیرولی

روزنامه‌نگار

در شرایطی که بخشی از افراد در سن کار به دلایل مختلف از جمله مشکلات عرضه و تقاضای بازار کار، عدم تناسب اشتغال موجود با ظرفیت اشتغالزایی و نبود سیاست‌های خلق‌کننده فرصت‌های شغلی متناسب با گروه‌های کارجو و شغل‌های مورد نیاز کارفرمایان، بیکاری را تجربه می‌کنند، مهارت به عنوان کلید ورود به بازار کار دسترس‌پذیری اشتغال را برای کارجویان مهیا می‌سازد.

اشتغال به عنوان پایه اصلی اقتصاد خانوار و رکن اساسی تولید و کسب و کار، در شرایطی در قالب فرصت در دسترس در اختیار کارجویان قرار می‌گیرد. افراد در سن کار حتی با وجود تحصیلات دانشگاهی و تجربه کار در زمینه‌های مختلف و مرتبط، به دلیل عدم مهارت کافی یا به‌روزرسانی نکردن استانداردهای مهارتی، امکان ماندگاری در بازار کار و اشتغال و در کنار آن، ظرفیت رشد و ارتقای بهره‌وری کار و اثرگذاری در حوزه تولید را نخواهند داشت.

در این شرایط، کارفرمایان به دلیل نیاز به جذب نیروی کار ماهر و متخصص در راستای افزایش بهره‌وری تولید، تمایلی به جذب نیروی کار بدون مهارت نداشته و طبیعتاً با ادامه این وضعیت، رکن دسترس‌پذیری اشتغال ناشی از مهارت‌های فنی برای افراد غیرماهر دور از دسترس خواهد بود. کارفرمایان و سرمایه‌گذاران بخش تولید، به دلایل گوناگون از جمله تسریع در راه‌اندازی کسب و کار و ریل‌گذاری سوده‌در کار مربوطه، جذب نیروی کار ماهر را از همان ابتدای فعالیت در نظر دارند. در این شرایط، مهارت‌های فنی و تخصصی، نقشی مهم در اشتغال افراد، رونق تولید، رشد بهره‌وری کار و استمرار حضور در شغل را ایفا می‌کند. به عبارتی؛ میزان و سطح مهارت نیروی کار تأثیری مستقیم در بسیاری از شاخص‌های اشتغال و بازار کار دارد. البته آموزش مهارت‌های فنی در کنار تمام مزایای برشمرده برای کارجویان، شاغلان، کارفرمایان و کار و تولید، به دلیل کاهش هزینه‌های کارفرما برای آموزش‌های حین کار (حداقل برای شروع کار)، به نوعی رهاورد اشتغال ارزان محسوب شده و از صرف هزینه آموزش مهارت برای شروع به کار افراد پیشگیری می‌کند. در این راستا، رشد سطح مهارت نیروی کار به عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری تخصصی برای افراد (تازه‌کار یا با تجربه اشتغال مرتبط) محسوب شده و به این واسطه آینده‌نگری تضمین اشتغال و افزایش استمرار شغلی را برای نیروی کار به ارمغان می‌آورد.

خلق نگاه متفاوت به موضوع اشتغال از زاویه دید کارجو، کارفرما، سرمایه‌گذار و دولت و نهادهای متولی حوزه اشتغال مهارت‌آموزی در مسیری که مهارت به عنوان سرمایه و آموزش مهارت در قالب سرمایه‌گذاری دیده شود، اتکابه توان مهارتی افراد در راستای یافتن شغل مستمر، تأمین نیروی کار متخصص و دستیابی به اشتغال ارزان و تنظیم وضعیت عرضه و تقاضای بازار را برای متولیان مربوطه به دنبال دارد.

اشتغالزایی به عنوان یکی از وظایف دولت‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه اشتغال، رونق‌دهنده و عامل بهبود فضای کسب و کار، موتور محرک بهره‌وری تولید و اقتصاد خانوار علاوه بر تحقق از طریق سیاست‌گذاری و تنظیم هدفمند استفاده از ظرفیت‌های مالی، ارتباطی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌انسانی، امکان تسهیلگری از طریق ارتقای استانداردهای مهارتی را دارا است. به این معنا که افزایش و گسترش مهارت نیروی کار زمینه تسهیل اشتغال افراد و رشد تولید ناشی از مهارت‌افزایی، اشتغال ارزان و در دسترس را برای دولت و بخش خصوصی فراهم می‌کند.

سخن آخر اینکه در دنیای امروز، مهارت‌آموزی در کنار حلقه واسط تولید و اشتغال، نقشی اساسی و تعیین‌کننده در بازار کار به واسطه شکل‌گیری «انقلاب مهارتی» و رشد داده‌های مربوط به تولید و توسعه کشورها ایفا می‌کند؛ بنابراین موضوع پیوست مهارتی، امروزه به عنوان جزیی جدایی‌ناپذیر در همه فعالیت‌های اشتغالزای مولد پذیرفته شده است.



آموزش‌های فنی، چند دهه کوتاهی آموزش مهارت در بخش‌های آموزش و پرورش، دانشگاه و آموزش مهارتی و عدم بهره‌مندی نیروی کار از کار شایسته و دستمزد مناسب، زمینه ناکارآمدی مهارتی بین نیروی کار و توسعه کم فرهنگ مهارتی در حوزه کسب و کار را فراهم آورده است.

آثار نادیده گرفتن فرهنگ مهارت‌آموزی

در مجموع با توجه به تأثیرپذیری آموزش‌های استاندارد مهارتی در چرخه تولید از تربیت نیروی کار تا بهره‌وری کار، نادیده گرفتن تأثیر رشد فرهنگ مهارت‌آموزی در ارتقای شاخص‌های بازار کار و تولید علاوه بر کاهش خروجی داده‌های اشتغال و کسب و کار، زمینه آسیب به تمامی اجزای چرخه کار و تولید را فراهم می‌آورد. در این شرایط، انتظار بهره‌وری متناسب با ظرفیت نیروی انسانی، منابع و زیرساخت‌ها، تعادل عرضه و تقاضا در بازار کار، افزایش استانداردهای مهارتی مطابق شاخص‌های روز، کاهش نرخ بیکاری ناشی از رشد مهارت‌های فنی و توسعه تولید دور از انتظار است.